

# الباب السابع من الواحد الثامن في الچاپ و الامر به.

حضرت باب

اصلى فارسى



## الباب السابع من الواحد الثامن في الچاپ و الامر به.

ملخص اين باب آنکه اذن داده شده چاپ در بيان و آنچه در ظل او انشاء شود بر طبق او الى ظهور ”من يظهره الله“ که آنوقت اگر کل بشأنى مقدر شده که توانند باحسن خط حفظ کلمات الله نمود که امر خواهد فرمود و الا آنچه مقتضای جود و فضل او است اذن خواهد داد

و بعد از اين اذن ديگر عذرى از براى هيچ نفسى نماند عند الله در آنکه بيانى نزد آن نباشد که بآن مذکر شود ”من يظهره الله“ را باحسن خط نه بآنچه دأب اين زمان است که هر خطى که ميرسد چاپ ميزند بجائى رسیده که بهاء هديه قرآن بيست و هشت نخود فضه شده اگر نه ملاحظه عدم استطاعت کل مؤمنين ميبود هر آينه اذن داده نميشد و ليکن حال که کل در فضل وجود حق ساکن هستند باذن او ولى هر کس تواند که بيان را باحسن خط نويسد بهتر است از براى اون تا آنکه مالک گردد چاپ خوب آنرا ذلک من فضل الله يختص به من يشاء من عباده و الله ذو الفضل العظيم

بدانکه احترام قرآن نيست الا باحترام نسبت او الى الله بنفسه و لاجل ارواحى که در آن کلمات است و کل ارواح در قرآن راجع ميشوند بارواح حروف حى آن چنانچه بدء ايشان هم از آن حروف است چنانچه امروز اگر مؤمنى عامل هست بقول اهل بيت و ابواب اربعه است در غيبت صغرى که بعد از آن آنچه از ايشان رسیده کسى نتوانست تغييرى و تبديلى دهد بحق و کل حروف حى راجعند بنقطه فرقان که رسول الله - صلى الله عليه و اله - باشد و آن راجع است الى الله بنفسه و عود او الى الله است بما يعود الى نفسه زيرا که امکان از حد امکان تجاوز نتواند نمود



ORIGINAL



AUDIO

و همچنین در بیان کل ارواح علین او راجع میگردد بباب اول که ”من یظهره الله“ باشد و کل ارواح دون علین اون راجع میگردد باول دون حق که ساجد نشود از برای او و همچنین کل کتب سماویه را مشاهده کن که احترام کل بنسبت او الی الله هست و لم یزل حی بوده وهست باینکه از ظهورات قبل مرتفع میشود و متصل میگردد بظهورات بعد

شبهه نیست که انجیل کتاب خداوند بوده ولی بعد از نزول فرقان ارواح حقه آن راجع شد بسوی قرآن و آنچه که نشد از دون ارواح علین انجیل بود که مانده و همچنین در بیان آنچه که داخل بیان شوند از مؤمنین بقرآن ارواح آن در علین بوده و الا دون آن ذکر میشود و همچنین در بیان آنچه که ”بمن یظهره الله“ ایمان آورند ارواح علین اون هستند و اگر نفسی بهم رسد که ساجد نشود او است کل دون علین

و لتصنعن فیما انتم به تهتدون علی احسن خط انتم علیه تقتدرون.

